

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پند اجتماعی در دیوان حافظ

فریبا محمودی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

عضو هیأت علمی، گروه زبان و ادبیات فارسی و آموزش معلمان، دانشکده علوم انسانی واحد میانه، دانشگاه

آزاد اسلامی، میانه، ایران

Email:fmahmoudi87@yahoo.com

چکیده

حافظ یکی از ارکان ادب فارسی است. اشعار حافظ از وجوه مختلفی تحقیق و بررسی شده است ولی وجه تعلیمی غزلیات حافظ کمتر مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است. این پژوهش با پرداختن به پند و اندرزهای دیوان حافظ وجه تعلیمی غزلیات او را از جنبه اجتماعی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهد.

هدف از این پژوهش ارایه بسامد پند و اندرز از دید اجتماعی در دیوان حافظ است تا با استفاده از آن و با نگاهی دیگر به زوایای پنهان شخصیت و روحیات حافظ دست یافت. از مجموع، ۴۳ پند اجتماعی استخراج شده از دیوان حافظ، که تحت عناوین مختلف آمده است «پرهیز از ریا و تزویر» بالاترین بسامد را داراست «تعامل و سازش با مردم»، «اغتنام مصاحبت با دوستان»، «آزار نرساندن به دیگران» و «حسن خلق و خوش رفتاری» از دیگر عناوین پندهای اجتماعی است که به ترتیب بیشترین بسامد را دارند.

کلمات کلیدی: حافظ، پند و اندرز، ادبیات تعلیمی، پند اجتماعی

مقدمه

دیوان حافظ یکی از ذخایر ارزشمند ادب فارسی است. حافظ انسانی متعالی و دارای روحی حساس و عواطفی بسیار قوی است. او نسبت به اوضاع و شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه خود بی تفاوت نیست. دکتر هروی در مقدمه شروخی که بر حافظ نوشته می‌نویسد: «سراسر دیوان حافظ حمله به تزویر و ناراستی و مدح عشق و حقیقت است. لحظه‌ای از حوادث اجتماعی زمان غفلت ندارد و در غزل‌ها می‌خواهد به همه آنها اشاره‌ای داشته باشد» (هروی، ۱۳۹۲: ۳۶)

«شعر حافظ هم عروس محفل ذوق و ادب است و هم تسخیرکننده‌ی اعتقاد و ایمان مردم». (مرتضوی، ۱۳۶۵: ۲)

حافظ فقط از عشق و عرفان سخن نمی‌گوید. به عقیده‌ی دکتر زرین کوب مطالعه قرآن و تأمل در آن وی را با درد واقعی انسان، با درد تعقل آشنا کرد. تعقل در نفس، در احوال انسان که قرآن مکرر مردم را به آن دعوت کرده بود (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۳۲).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حافظ در شعرهایش از دردها سخن می‌گوید و گاه زبان به طعن و سرزنش می‌گشاید و هر جا که لازم بداند پند و اندرز می‌دهد. این انسان آزاده از هیچ کس ایایی ندارد و نصیحتش بی‌پروا و صریح است ولی در عین حال به زیبایی هرچه تمام‌تر پند می‌دهد.

بی‌شک شعر حافظ می‌تواند درونمایه‌های شعر تعلیمی را نیز یافت، بسیاری از صاحب‌نظران و حافظ‌شناسان بدان اذعان دارند که با تأمل در غزل‌های حافظ می‌توان درون‌مایه شعر تعلیمی را نیز در آن یافت. «شعر حافظ شعر تعلیمی و غنایی را وحدت می‌بخشد و میان آن دو جمع می‌کند و به همین سبب غزل‌های حافظ هم پرسش‌انگیز است و هم پاسخ‌پرسش‌ها را در خود نهفته دارد. غزل‌های حافظ با تلفیق شعر تعلیمی و غنایی و شعر عرفانی و غیرعرفانی مخاطبان خود را گسترش می‌دهد تا آن جا که هر کس به اقتضای ذهنیت و شخصیت خود می‌تواند با یکی از ابعاد غنایی، عرفانی و غیر عرفانی و تعلیمی آن ارتباط برقرار کند و گذشته از سؤال‌های عام، سؤال‌های خاص و فردی خود را در گفت و گوی با متن مطرح کند. (پورنامداریان، ۱۳۸۸: ۲۸۱)

چون اشعار غنایی حافظ بر دیگر وجوه آن می‌چربد و برجسته‌تر می‌نماید و شعری غنایی محسوب می‌شود بدان سبب محققان ویژگی‌های غنایی اشعار او را مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌اند. کتاب‌ها و مقالات فراوانی که در زمینه عشق و عرفان حافظ به رشته تحریر در آمده است تنها اشاراتی به وجه تعلیمی اشعار او شده است. تعداد مقالات و کتاب‌هایی که در مورد وجه تعلیمی آن نگاشته شده است در مقایسه با دیگر موضوعات بسیار اندک است.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ای با همین موضوع می‌باشد. با پرداختن به پند و اندرزهای دیوان حافظ آن را از جنبه تعلیمی مورد بررسی قرار می‌دهد. اشعار حاوی پند و اندرز که از دیوان حافظ استخراج شده از لحاظ موضوعی در پنج دسته طبقه‌بندی شده، که در مقاله حاضر به انواع اجتماعی اشاره خواهیم کرد. ان‌شالله در مقالات دیگر چهار موضوع دیگر ارایه خواهد شد.

بیان مسئله

آثار حافظ از جایگاه خاصی در بین مردم برخوردار است. اشعار عرفانی و عاشقانه حافظ به حق بسیار زیباست. اشعار او از نگاه عرفانی و نیز عاشقانه بسیار مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. اهمیت این وجوه از شعرهای او به هیچ وجه قابل انکار نیست ولی باید اذعان داشت که حافظ، حافظ قرآن بوده و با آن که مشرب عرفان داشت در حقیقت از زمره عالمان عصر و مخصوصاً در شمار شاعران شرعی بود (صفا، ۱۳۷۴: ۱۸۹).

جای دارد اشعار او را از دیدگاه اخلاقی و تعلیمی نیز مورد بررسی قرار داد. یکی از وجوه اخلاقی شعر، پند و اندرز است که در شعر حافظ به گونه‌های متفاوت جلوه‌گر است. حافظ بسیار زیبا و استادانه پند می‌دهد پندهای او اندیشه آدمی را به سوی نیک‌بختی و دوری از هرگونه زشتی و پلیدی سوق می‌دهد. اشعار او روح را نوازش می‌دهد هرچند سرزنش‌آمیز و گاه گزنده باشد. چرا که به جا و اندک پند می‌دهد.

درباب نصیحت و پند و اندرزهای حافظ باب تحقیق باز است. این وجه از شعر حافظ به صورت شایسته، کامل و مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین نیاز جامعه امروزی، خصوصاً جوانان به اشعار پندآموز به طور غیر مستقیم احساس می‌شود. در این تحقیق سعی شده با غور در دریای بیکران حکمت و عرفان و ادب حافظ، دُر پند و اندرز صید شود تا همگان از آن گوشواری زیبا برای زینت روح و جان سازند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اهمیت و ضرورت تحقیق

با بررسی آثار نظم ادب فارسی متوجه می‌شویم همه شاعران مباحث اخلاقی و پند و اندرز را به نوعی در آثارشان متجلی کرده‌اند و این حرکت از پدر شعر فارسی، رودکی آغاز می‌شود. پس از رودکی نیز بوشکور بلخی، کسایی مروزی، سنایی، سعدی و ... به پند و سخنان حکیمانه عنایت داشته‌اند.

حافظ نیز در این زمینه از دیگران مستثنی نیست ولی از آنجا که پرداختن به اشعار زیبای عارفانه و عاشقانه حافظ مجالی برای بررسی این وجه از اشعار او باقی نگذاشته است لذا ضرورت داد که طی تحقیقی مستقل و به صورت جامع و کامل بدان پرداخته شود و آن دسته از ابیات دیوان او که حاوی پند است استخراج، دسته‌بندی و بررسی شود.

از آنجا که پند و اندرز از اوج احساس مسئولیت، درمندی و دقت و حساسیت شاعر نسبت به جامعه و مردم عصر خود نشأت می‌گیرد لذا بررسی این وجه از اشعار حافظ می‌تواند درک و شناسایی بهتر و عمیق‌تر از روحیات، عواطف و احساسات شاعر ارائه بدهد. از سوی دیگر بررسی پند و اندرزهای حافظ به شناخت شرایط و اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر حافظ کمک می‌کند چرا که شاعر زمانی از پند و اندرز سخن می‌گوید که شرایط ایجاب کند و در واقع شاعر به مقتضای حال و به هنگام مشاهده درد یا کاستی و نقص با سرودن اشعار پندآموز سعی در اصلاح و بهبود امور و اشخاص دارد.

هدف تحقیق

دستیابی به زوایای پنهان شخصیت و روحیات حافظ از روی اشعار حاوی پند. تدوین و مدون‌سازی اشعار حاوی پند و اندرز در دیوان حافظ جهت استفاده اساتید، معلمان، مشاوران و مربیان حوزه تعلیم و تربیت.

روش تحقیق

این تحقیق با توجه به موضوع آن از نوع تحقیق نظری است و از روش کتابخانه‌ای با فیش‌یادداشت برداری برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده و از روش آماری نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه نتیجه استفاده شده است.

بیشترین بسامد پند و اندرز در دیوان حافظ پندهای اجتماعی است.

مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق

شعر تعلیمی

شعر تعلیمی به عنوان یکی از انواع چهار گانه ی شعر در ادبیات جهان است که شامل اشعار حماسی، غنایی، تعلیمی و تمثیلی می‌شود (رزمجو، ۱۳۷۴: ۴۸).

شعر تعلیمی یکی از پر بسامدترین مضامین و معانی، در بیش‌تر قالب‌های شعری و انواع ادبی است. شعر تعلیمی آن است که هدف سراینده آن آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های پسندیده مذهبی و عرفانی یا علوم و فنون باشد (همان: ۷۹).

شعر تعلیمی به دو دسته تقسیم می‌شود:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

الف) ادبیات تعلیمی در معنای خاص خود شامل دستورالعمل‌هایی بوده است که به آموزش یک فن یا هنر خاص اختصاص داشته است. قدیمی‌ترین نمونه از این دست، شعری از هسیود یونانی (قرن هشتم قبل از میلاد) است که تجربه‌های خود را در کشاورزی به برادر خود می‌آموزد.

ویرژیل شاعر رومی نیز منظومه‌ای دارد که موضوع آن چگونگی اداره مزرعه و نگهداری از آن است. این نوع ادبیات در زبان فارسی نیز نمونه‌هایی دارد از جمله: نصاب‌الصیبیان از ابونصر فراهی در لغت و دانش‌نامه میسری در داروشناسی و طب (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۳۷۷).

ب) در معنای عام به آثاری گفته می‌شود که موضوع آن مسائل اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز، حکمت و ... است. امروزه وقتی از ادبیات تعلیمی سخن می‌گویند منظور ادبیات تعلیمی عام است. (داد، ۱۳۸۵: ۲۰)

آن قسمت از آثار منظوم تعلیمی را که صرفاً به آموزش دانشی می‌پردازند نظم می‌خوانیم اما بدیهی است که به آثاری مانند مثنوی، بوستان و حدیقه که پندهای اخلاقی و عرفانی در آن‌ها مبتنی بر رعایت اصول ادبی است باید شعر اطلاق کرد و آن‌ها را مستقیماً جزو آثار ادب محسوب داشت. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۷۰)

معنای لغوی پند و اندرز و معنای اصطلاحی

معنای لغوی پند

پند از لحاظ دستوری اسم می‌باشد. در لغت‌نامه‌ی دهخدا در ذیل معنای پند این چنین آمده است: پند آن است که به عربی نصیحت گویند (برهان قاطع. اندرز و نُصَح. وعظ. موعظت. موعظه. عبرت. (مذهب الاسماء). نُخِیلَه. وَصَاة. ذِکْر. تَذْکِیر (منتهی- الارب). صلاح گوئی. تذکره (دهخدا، ۱۳۷۲)

فرهنگ معین آن را به این صورت معنی کرده است:

اندرز، نصیحت، صلاح گوئی، موعظه، وعظ، ذکر، تذکیر، ۲- عهد، میثاق (معین، ۱۳۷۱: جلد ۱)

پند در نوشته‌های زرتشتی به زبان پهلوی تا سده سوم وازهای بسیار آشنا و معنای متداول آن برابر «اندرز» به معنای نصیحت است ولی گهگاه به معنی «راه» نیز می‌آید که واژه اوستایی Pantay درست به همین معنی است. (بارتولومه، ستون ۸۴۷)

معنای لغوی اندرز

اندرز از لحاظ دستوری اسم می‌باشد. در لغت‌نامه دهخدا در ذیل معنای اندرز این چنین آمده است: پند (برهان قاطع)، موعظت، وعظ، موعظه، نصیحت، تذکیر، ذکر (دهخدا، ۱۳۷۲).

فرهنگ معین آن را به صورت معنی کرده است: ۱- پند، نصیحت، ۲- وصیت (دهخدا، ۱۳۷۷، جلد ۱).

واژه اندرز از فارسی باستان Ham-darza و فارسی میانه‌ای handar2 مشتق می‌شود در ذیل در معنی وصل کردن و بستن آمده است. (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۲۹۵)

معنای اصطلاحی اندرز

اندرز در اصطلاح، بیش‌تر بر سخنان حکیمان‌های اطلاق می‌شود که اغلب بزرگی همچون شاه یا روحانی‌ای بزرگ، برای راهنمایی فرزند یا شاگردان، مؤمنان درباریان، عامه مردم یا صاحبان شغل و جمعی خاص فرموده باشد. (صباحی‌گراغانی، ۱۳۹۷: ۷)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پیشینه‌ی تحقیق

دیوان حافظ از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است و کتب و مقالات متعددی درباره‌ی حافظ و اشعار او به رشته‌ی تحریر درآمده است که همگی در نگارش و شکل‌گیری این پایان‌نامه نقش داشته‌اند ولی در کتب و مقالات زیر به وجه اخلاقی و تعلیمی شعر حافظ که مرتبط با موضوع پایان‌نامه می‌باشد بیشتر از دیگر آثار پرداخته شده است:

- کتاب «آب طربناک (تحلیل موضوعی دیوان حافظ)» تألیف یحیی یثربی. ۱۳۸۱.

- کتاب «نصایح حافظ» (ولایت علی (ع) و عشق به مهدی عجل‌الله تعالی فرجه از دیوان خواجه حافظ شیرازی) تألیف علی اکبر واعظ موسوی. ۱۳۸۲.

- کتاب «گم شده لب دریا» (تأویلی در معنی و صورت شعر حافظ) تألیف تقی پور نامداریان. ۱۳۸۴.

- مقاله «حکمت و اخلاق در غزلیات» از غلامرضا رحمدل. ۱۳۸۰.

- مقاله «مکتب تربیتی حافظ» از سید کمال خرازی. ۱۳۸۵.

- مقاله «بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ» از احمدرضا یلمه‌ها. ۱۳۹۰.

- مقاله «تأملی در شعر تعلیمی» از جواد غلامعلی‌زاده. ۱۳۹۱.

- مقاله «لحن تعلیمی در دیوان حافظ» از احمد رضی و سهیلا فرهنگی. ۱۳۹۲.

- مقاله «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران» از احمد رضا یلمه‌ها. ۱۳۹۵.

- مقاله «نیم‌نگاهی به جنبه‌های تعلیمی شعر حافظ از منظر نظریه‌ی روایت‌شنو» از مهری تلخابی و حسین آریان. ۱۳۹۶.

- مقاله «بررسی چگونگی بازتاب اندرزگزاری و اندرزگزاران در دیوان حافظ» از فرهمند رویین‌تن و لیدا صباحی‌گراگی. ۱۳۹۷.

در جست و جوهایی که به عمل آمد کتاب یا مقاله مستقل و جامعی درباره‌ی پندهای حافظ و طبقه‌بندی آنها یافت نشد.

پیشینه‌ی پند و اندرز در ادبیات فارسی

ایرانیان باستان به اصول و مبانی اخلاقی سخت پایبند بودند. چنان‌چه دین زرتشتی بر سه رکن پندار نیک، کردار نیک و گفتار نیک بنا نهاده شده بود. از آنجا که ادبیات آئینه‌ی جامعه است اخلاقیات آن دوره جلوه‌گر بود.

احمد تفضلی در کتاب تاریخ ادبیات پیش از اسلام می‌نویسد: «اخلاقیات مهم‌ترین بخش ادبیات پهلوی را تشکیل می‌دهد به گونه‌ای که مشخصه‌ی بارز این ادبیات خصوصاً از جهت تأثیری که بعداً در ادبیات دوران اسلامی در کتاب‌های ادب و اخلاق عربی و فارسی گذاشته است، مجموعه‌ی اندرزهای آن است». (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۸۰)

«ظاهراً ایرانیان عصر ساسانی عشق و علاقه‌ی زیادی به این نوع از ادبیات داشته‌اند، زیرا در ادبیات پهلوی نوشته‌های بسیاری در حکمت علمی و اخلاق به اسامی «اندرزنامه» یا «پندنامه» وجود داشته است». (محمدی، ۱۳۷۴: ۲۵۹)

دوفوشه کور پندنامه‌های بزرگ مهر، انوشیروان و اردشیر را نشانه‌ی ارزش و اهمیت ادبی تعلیمی در ایران پیش از اسلام می‌داند. (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۴۱)

بعد از اسلام نیز ایرانیان فرهنگ والا و غنی خود را با آموزه‌های اخلاقی و حکمی اسلامی در آمیختند و همچنان به ادبیات تعلیمی توجه و رغبت نشان دادند. رودکی پدر شعر فارسی سردم دار اشعار حکیمانه و اندرزی است آفرین‌نامه‌ی ابوشکور بلخی، شاهنامه فردوسی، تاریخ بیهقی، اشعار ناصر خسرو، سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام الملک، قابوس‌نامه عنصرالمعالی، حدیقه‌سنایی، مثنوی مولوی، بوستان و گلستان سعدی و مرزبان‌نامه و حافظ هر یک در ادوار تاریخی مختلف به نظم و نثر در قالب‌ها و انواع مختلف آموزه‌های تعلیمی و پنداندز را در آثارشان بازتاب داده‌اند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

انواع پند و اندرزهای اجتماعی

۱- آزار رساندن به دیگران

دلش به ناله میازار و ختم کن حافظ که رستگاری جاوید در کم آزاریست
(همان: ۱۲۸)

«سودی» کم آزاری را آزار نکردن و یا بی آزار بودن معنی کرده است و مثال می زند کم گو، هیچ مگو و کم کن یعنی هیچ مکن.
(سودی، ۱۳۸۷: ۳۵۳)

با این توضیح حافظ رستگاری را در بی آزاری می داند و پند و اندرز می دهد که رستگاری جاوید در این است که آدمی نباید به هیچ کس آزار و اذیت رساند تا مردم از آزار و اذیت او در امان باشند.

خانه بر ملک ستمکاریست دولت باقی ز کم آزاریست
(نظامی، ۱۳۸۵: ۷۹)

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست
(حافظ، ۱۳۷۶: ۱۳۴)

یگران بود و باید از این کار احتراز کرد و به عقیده‌ی حافظ هرکاری به جز آزاررسانی رواست چرا که در شریعت حافظ گناهی غیر از این وجود ندارد.

پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمودند: «... خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنْ الشَّرِّ شَيْءٌ الشَّرْكَ بِاللَّهِ وَ الضَّرُّ لِعِبَادِ اللَّهِ.» دو خصلت ناپسند است که بدتر از آن‌ها نیست: شرک به خدا و آزار بندگان خدا. (ابن شعبه، حرانی، ۶۳)

۲- ارج نهادن افراد بر اساس شایستگی

همای گو مفکن سایه‌ی شرف هرگز در آن دیار که طوطی کم از زغن باشد
(همان: ۱۸۱)

دکتر حسینعلی هروی در توضیح این بیت می نویسد: «مضمون این بیت کنایه‌ی اجتماعی دارد. حافظ می گوید به مرغ هما بگو که سایه‌ی خوش‌یمن و مبارک خود را بر آن شهر و دیاری مینداز که برای مردم فرومایه بیش از مردم شریف قدر و منزلت قائلند چنان شهری آباد مباد.» (هروی، ۹۲: ۶۸۱) پند کنایی حافظ در این بیت این می تواند باشد که برای مردم دون و فرومایه در جامعه نباید بیش از مردم دانا قدر و ارزش قائل بود.

۳- اغتنام مصاحب با دوستان

شب صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما بسی گردش کند گردون بسی لیل و نهار آرد
(همان: ۱۵۳)

پند حافظ در این بیت غنیمت دانستن هم‌نشینی و مصاحبت دوستان و بهره‌مندی و لذت بردن از این لحظات خوش هم‌نشینی است؛ چرا که زمانه سپری خواهد شد و بعد از ما چه بسیار شب‌ها و روزهایی که از پی هم خواهند آمد.

فرصت شمار صحبت کز این دو راهه منزل چون بگذریم دیگر نتوان به هم رسیدن
(همان: ۳۰۸)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حافظ نصیحت می‌کند که باید معاشرت و هم‌نشینی با دوستان را غنیمت شمرد زیرا وقتی زمان وداع برسد دیگر دیدار میسر نخواهد شد پس تا فرصت هست باید از مصاحبت و هم‌نشینی با دوستان بهره‌مند شد.

دمی با نیکخواهان متفق باش غنیمت دان امور اتفاقی
(همان: ۳۴۹)

حافظ توصیه می‌کند اگر دوستان نیک‌خواه و خیرخواهی داری با آن‌ها همراه و همدل باش و از لحظه لحظه‌ی معاشرت با آنان استفاده کن. چرا که همراهی دوستان نیک‌خواه کمتر اتفاق می‌افتد پس قدرش را باید دانست.

۴- امید به لطف خدا برای ریشه‌کنی ظلم

ز مهربانی جانان طمع میر حافظ که نقش جور و نشان ستم نخواهد ماند
(همان، ۱۹۱)

حافظ با مخاطب قرار دادن خود به کسانی که بدلیل ظلم و ستم در جامعه ناامید شده‌اند نوید می‌دهد و آنها را نصیحت می‌کند که از لطف و مهربانی خداوند نباید قطع امید کرد زیرا روزی خواهد رسید که با لطف خداوند از ظلم و ستم در جامعه اثری نخواهد ماند.

۵- پاک‌ی اهل شریعت

آلودگی خرقه خرابی جهان است کو راهروی اهل دلی پاک سرشتی
(همان: ۳۳۳)

حافظ در مصراع اول این بیت یک نکته‌ی مهم اجتماعی را متذکر می‌شود و آن اینکه آلودگی و ناپاکی متصنّفان به شریعت باعث گمراهی و خرابی مردم جامعه می‌شود. پس مستتر در مصراع اول این بیت این است که کسی که لباس اهل شریعت به تن می‌کند باید به دور از ریا و آلودگی باشد تا خلقی به واسطه‌ی او به گمراهی کشیده نشوند.

۶- پرهیز از ریا و تزویر

حافظا می‌خور و رندی کن و خوش باش ولی دلم تزویر مکن چون دگران قرآن را
(همان: ۱۰۱)

حافظ از ریا و تزویر بیزار است و همواره آن را نکوهش می‌کند و نصیحت به پرهیز از ریا و تزویر می‌کند تا جایی که در این بیت خطاب به خود می‌گوید: می‌توانی می‌خوردی، رندی کرده و خوش باشی ولی نباید قرآن را وسیله‌ی ریا و فریب کاری قرار دهی.

باده نوشی که درو روی و ریائی نبود بهتر از زهدفروشی که درو روی و ریاست
(همان: ۱۰۶)

از جمله اعمالی که حافظ سخت از آن بیزار است ریاکاری و تظاهر به زهد است و بارها زاهدان و صوفیان را به باد انتقاد گرفته است. در این بیت نیز با ترجیح باده‌خواری بی‌روی و ریا بر زهد ریایی در واقع زاهدان را نصیحت می‌کند.

حافظ این خرقه بینداز مگر جان ببری کاتش از خرقه‌ی سالوس و کرامت برخاست
(همان: ۱۰۷)

حافظ خودش را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید که ریاکاری و زهدفروشی و اظهار کرامت را ترک بگویند و خرقه از تن بدر کند چرا که از خرمن سالوس و کرامت دروغین، آتش برمی‌خیزد. حافظ زاهدان ریاکار را نصیحت به ترک زهد و اظهار کرامت دروغین می‌کند زیرا عاقبت آن آتش و سوختن است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

می خور که صد گناه ز اغیار در حجاب بهتر ز طاعتی که به روی ریا کنند
(همان: ۱۹۹)

حافظ در این بیت طاعت روی و ریایی را مذمت و نکوهش می کند و می خوردن مخفیانه را بر طاعت ریاکارانه ارجح می داند و نصیحت به ترک طاعت و عبادت ریاکارانه می کند.

گرچه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود تا ریا ورزد و سالوس مسلمان نشود
(همان: ۲۱۶)

حافظ در این بیت واعظ را مورد طعن و سرزنش و پند و اندرز قرار می دهد و او را ریاکار و سالوس خوانده و می گوید با وجود اینکه شنیدن این پند برای واعظ شهر سخت است ولی مادامی که ریاکاری و فریب کاری پیشه کند مسلمان نخواهد شد پس باید ریا و فریب را کنار بگذارد.

صوفی بیا که خرقة ی سالوس بر کشیم وین نقش زرق را خط بطلان بسر کشیم
(همان: ۲۹۸)

حافظ خطاب به صوفی می گوید: بیا تا خرقة ی ریا و تزویر را از تن بدر آوریم و بر نقش و طرح دورویی خط بطلان بکشیم پند حافظ در این بیت پرهیز از ریا و عبادت زاهدانه ی فریبکارانه است.

خدا را کم نشین با خرقة پوشان رخ از رندان بی سامان مپوشان
(همان: ۳۰۳)

حافظ توصیه می کند با صوفیان خرقة پوش و متظاهر کم تر معاشرت و هم نشینی کرده و در مقابل با رندان بی غل و غش و صافی اختلاط و معاشرت کنید و از آنان روی گردان نباشید. پند مستتر در این بیت مذمت خرقة پوشان متظاهر است.

آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت حافظ این خرقة ی پشمینه بینداز و برو
(همان: ۳۱۶)

حافظ خطاب به خود می گوید: زهد و ریاکاری چون آتشی است که خرمن دین و ایمان را خواهد سوزاند پس باید این خرقة ی زهد و ریا را دور انداخت. و در واقع حافظ در این بیت نصیحت به ترک ریا و زهد دورغین می کند چراکه زایل کننده ی دین و ایمان است. سعدی شیرازی نیز در مذمت زهد دروغین می فرماید:

طاعت آن نیست که برخاک نهی پیشانی صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست
(سعدی، ۱۳۸۳: ۴۷۲)

۷- تعامل و سازش با مردم

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا
(حافظ، ۱۳۷۶: ۹۹)

حافظ در این بیت پندی بسیار زیبا و ارزشمند می دهد و آن این است که اگر طالب آسودگی و آرامش در دو جهانی دو اصل را در معاشرت با دیگران به کار ببر: با دوستان با مروت و انصاف رفتار کن و با دشمنان با رفق و مدارا.

حافظ تو ختم کن که هنر خود عیان شود با مدعی نزاع و محاکا چه حاجت است (همان: ۱۱۳)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حافظ توصیه می‌کند بحث و مجادله با مدعی را باید کنار گذاشت زیرا وقتی هنر و فضل در نهایت عیان خواهد شد مجادله کاری عبث و بیهوده است.

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد
(همان: ۱۵۳)

حافظ دوست‌دار دوستی و محبت است و از کینه و دشمنی بیزار او در این بیت نیز این نکته را توصیه می‌کند که با مردمان دوستی کن تا به مراد و خواسته‌هایت برسی و دشمنی را هر چند کوچک و ناچیز باشد ریشه‌کن کن تا دچار رنج و ناراحتی نشوی.
حافظ از خصم خطا گفت نگیریم برو و به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم
(همان: ۲۹۹)

حافظ عدم بحث و مجادله با دشمن را توصیه می‌کند و می‌گوید اگر دشمن سخن نادرستی گفت نباید او را مؤاخذه و توبیخ کرد و اگر حقیقت را بیان کرد نباید با او به مجادله برخاست.

یک حرف صوفیانه بگویم اجازت است ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری
(همان: ۳۴۳)

روح لطیف و زلال حافظ به خوبی در این بیت منعکس است حافظ که خود در دوران پر آشوب و نزاع زیسته همواره از آن بیزار است و در این بیت نصیحت به صلح و دوستی و احتراز از جنگ و ستیزه می‌کند.

۸- تلاش برای حل مشکلات

چو غنچه گر چه فرو بستگیست کار جهان تو همچو باد بهاری گره گشا می‌باش
(همان: ۲۳۹)

حافظ کار جهان را چون غنچه‌ای فرو بسته می‌داند که پیچیدگی‌های فراوانی دارد ولی با این حال توصیه می‌کند برای گره‌گشایی و حل مشکلات آن باید تلاش و کوشش کرد و هم‌چون باد بهاری گره‌گشا بود و نباید از پا نشست.

۹- توقع وفاداری نداشتن از دیگران

وفا مجوی ز کس ور سخن نمی‌شنوی به هرزه طالب سیمرغ و کیمیا می‌باش
(همان: ۲۳۹)

وفاداری نایاب و کیمیاست و حافظ به خوبی به این نکته واقف است بنابراین توصیه می‌کند که نباید انتظار و توقع وفاداری از کسی را داشت و عدم پذیرش این موضوع به مثابه این است که بیهوده در پی سیمرغ و کیمیا باشیم.

۱۰- ثبات قدم در دوستی

سنگ سان شو در قدم نی همچو آب جمله رنگ آمیزی و تر دامنی
(همان: ۳۶۱)

حافظ توصیه می‌کند در دوستی و همراهی با یاران باید مانند سنگ ثابت قدم بود و در سلوک و رفتار خود نباید تغییری داده، هم‌چون آب هر لحظه به رنگی درآمده و حيله‌گر و تردامن بود.

۱۱- حسن خلق و خوش رفتاری

به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر به بند و دام نگیرند مرغ دانا را
(همان: ۹۸)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حافظ در این بیت توصیه می‌کند در جامعه هنگام مواجهه با افراد صاحب‌نظر باید از درِ ملاحظت و حُسن خُلق وارد شد چرا که با ریا و نیرنگ نمی‌توان نظر آن‌ها را جلب کرد هم‌چنان که پرندۀ دانا و زیرک را با دام و دانه نمی‌توان شکار کرد.

چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را
غبار خاطری از رهگذار ما نرسد
(همان: ۱۸۰)

حافظ در این بیت به حسن معاشرت و خوش‌رفتاری با دیگران را سفارش کرده و نصیحت می‌کند که چنان زندگی کن و آن‌گونه با مردم رفتار کن که حتی اگر خاک راه شوی خاطر کسی از تو غبارآلود نشود.

۱۲- خضوع در برابر خالق

به چشم خلق عزیر جهان شود حافظ
که بر در تو نهد روی مسکنت بر خاک
(همان: ۲۵۴)

انسان زمانی نزد مردم عزیز می‌شود که بر درگاه پروردگار با تضرع روی بر خاک بنهد و در واقع حافظ با خطاب قرار دادن خود، انسان‌ها را نصیحت می‌کند که اگر خواهان عزت و بزرگی نزد خلقند باید روی تضرع به خلق آورند.

۱۳- دادگری حاکمان

شاه را په بود از طاعت صدساله و زهد
قدر یکساعته عمری که درو داد کند
(همان: ۱۹۵)

حافظ در این بیت حاکمان و امرا را به عدل و داد اندرز می‌دهد و می‌گوید برای حاکمان یک ساعتی که در آن عدل و داد کنند از صد سال زهد و عبادت بسیار بهتر و باارزش‌تر است.

۱۴- رعایت ادب در محضر بزرگان

حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه
هر که را نیست ادب لایق صحبت نبود
(همان: ۲۰۶)

در این بیت حافظ با مخاطب قرار دادن خود پند می‌دهد که اگر طالب صحبت و هم‌نشینی با شاهان و بزرگانی در طلب علم و ادب بکوش چرا که آن‌کس لایق هم‌نشینی و هم‌صحبتی با بزرگان است که علم و ادب داشته باشد.

۱۵- عدم اظهار ملالت از همسفران

ملول از هم‌رهان بودن طریق کاردانی نیست
بکش دشواری منزل به یاد عهد آسانی
(همان: ۳۵۹)

حافظ مسافران را نصیحت می‌کند هنگام سفر نباید از همراهان اظهار ملالت و بیزاری نمود چرا که رسم و شیوه‌ی فرد کاردان این‌گونه نیست و باید به یاد زمانی که به مقصد رسیده و آسایش حاصل می‌شود دشواری منازل بین راه را تحمل کرد.

۱۶- عدم مجادله با مصیبت‌زدگان

دردمندان بلا زهر هلاهل دارند
قصد این قوم خطا باشد هان تا نکنی
(همان: ۳۶۲)

حافظ یادآوری می‌کند در رفتار با کسانی که دچار بلا و مصیبت شده‌اند باید جانب احتیاط را رعایت کرد و نباید به ستیزه و مجادله با آنان برخاست چرا که آن‌ها زهر‌کشنده‌ای دارند و در افتادن با آن‌ها خطرناک است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱۷- عدم خودنمایی در محفل بزرگان

بر بساط نکته دانان خودفروشی شرط نیست
یا سخن دانسته گو ای مرد عاقل یا خموش
(همان: ۲۴۶)

حافظ در مورد آداب سخن‌گویی صحبت کرده و توصیه می‌کند فرد عاقل در محفل دانایان و نکته‌سنجان خودنمایی و اظهار فضل نمی‌کند یا باید آگاهانه سخن بگوید و یا خاموش باشد.

۱۸- عدم مداخله در امور بزرگان

رموز مصلحت ملک خسروان دانند
گدای گوشه‌نشینی تو حافظا مخروش
(همان: ۲۴۴)

حافظ در این بیت سفارش به عدم مداخله در امور بزرگان می‌کند چراکه آنان به امور، اشراف کامل دارند و خطاب به خود می‌گوید: ای حافظا تو یک مستمند گوشه‌نشین بیشتر نیستی این همه قیل و قال نکن، پادشان به خیر و صلاح امور آگاهی کامل دارند.

۱۹- عدم معاشرت با بدان

نیک نامی خواهی ای دل با بدان صحبت مدار
خودپسندی جان من برهان نادانی بود
(همان: ۲۱۱)

حافظ در این بیت نیز توصیه می‌کند با مردمان بد نباید معاشرت کرد چرا که رسوایی و بدنامی به همراه می‌آورد و اگر شخصی از سر خودبینی و غرور این اندرز حافظ را نادیده بگیرد دلیل بر نادانی و جهالتش خواهد بود زیرا همگان از تأثیر هم‌نشینی بر شخصیت و اخلاق و رفتار انسان آگاهند. چنانچه شیخ اجل سعدی شیرازی می‌فرماید:

با بدان یار گشت همسر لوط خاندان نبوتش گم شد
سگ اصحاب کهف روزی چند پی مردم گرفت و
مردم‌شد (سعدی، ۱۳۸۳: ۸۱)

نخست موعظه‌ی پیر صحبت این حرف است
که از مصاحب ناچنس احتراز کنید
(حافظ، ۱۳۷۶: ۲۲۴)

معاشرت با افراد بدکردار می‌تواند انسان را به ورطه‌ی سقوط و بدبختی بکشاند و حافظ با وقوف بر این مورد آن را اولین پند پیر معاشرت دان بر شمرده و از قول او اندرز می‌دهد که از هم‌نشینی و مصاحبت با افراد ناچنس دوری کنید

نازنینی چو تو پاکیزه دل و پاک نهاد
بہتر آن است که با مردم بد نشینی
(حافظ، ۱۳۷۶: ۳۶۵)

حافظ در این بیت به فرد پاک‌دل و پاک‌نهاد سفارش می‌کند که بهتر است با مردم بدهم‌نشینی و معاشرت نکند.

پیاموزمت کیمیای سعادت ز هم صحبت بد جدایی جدایی
(همان: ۳۷۱)

حافظ در این بیت پندی ارزشمند می‌دهد که عمل بدان کیمیای سعادت و خوشبختی است و آن این‌که باید از دوست و هم‌نشینی بد دوری و احتراز کرد.

۲۰- عدم معاشرت با پیمان‌شکنان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پیر پیمانہ کش من که روانش خوش باد گفت پرهیز کن از صحبت پیمانہ شکنان
(همان: ۳۰۴)

حافظ در این بیت سفارش به عدم معاشرت و دوستی با پیمان شکنان و بدعهدان می کند و معاشرت با این گونه افراد را منع می کند.

۲۱- عدم معاشرت با متظاهران

خدا را کم نشین با خرقة پوشان رخ از رندان بی سامان مپوشان
(همان: ۳۰۳)

حافظ توصیه می کند با صوفیان خرقة پوش و متظاهر کم تر معاشرت و هم نشینی کرده؛ در مقابل با رندان بی غل و غش و صافی اختلاط و معاشرت کنید و از آنان روی گردان نباشید.

۲۲- عدم نارضایتی از جایگاه اجتماعی

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد تو اهل فضلی و دانش همین گناخت بس
(همان: ۲۳۷)

حافظ شخص فاضل را نصیحت می کند بدلیل محرومیتش در جامعه ناراحت نباشد دلیل محرومیت او فضل و دانش اوست چرا که روزگار زمام امور را به دست مردم نادان می دهد.

۲۳- کسب شایستگی قبل از تصدی مقام

تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی
(همان: ۳۶۳)

نمی توان به گزاف بر منصب بزرگان تکیه زد بلکه باید قبل از آن، ملزومات بزرگی را که در خور آن مقام است فراهم کرد، شاید با عمل به این پند بیش تر مشکلاتی که ناشی از عدم مدیریت صحیح و عدم کفایت برخی صاحب منصبان است مرتفع شود. هم چنان که نظامی می گوید:

دلا تا بزرگی نیاری به دست به جای بزرگان نباید نشست
(نظامی، ۱۳۷۰: ۸۵۶)

۲۴- مآمن جستن در زمان آشفتنگی

به مآمنی رو و فرصت شمر غنیمت وقت که در کمین گه عمرند قاطعان طریق
(همان: ۲۵۳)

وی می فرماید در مواقع آشفتنگی اوضاع باید به محل امنی رفته و فرصت های عمر و وقت را غنیمت بشمارید چرا که انواع حوادث در کمین گه عمر انسانند پس باید محل امن یافته و از فرصت های عمر استفاده کرد.

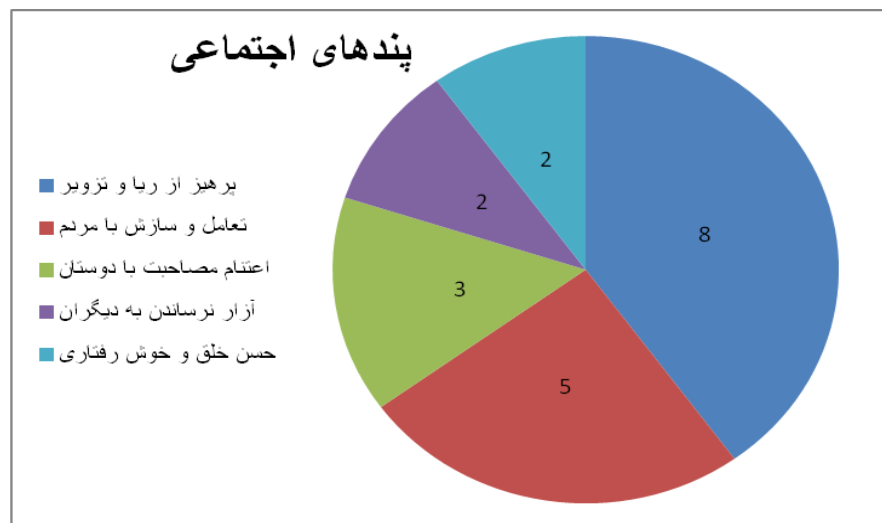
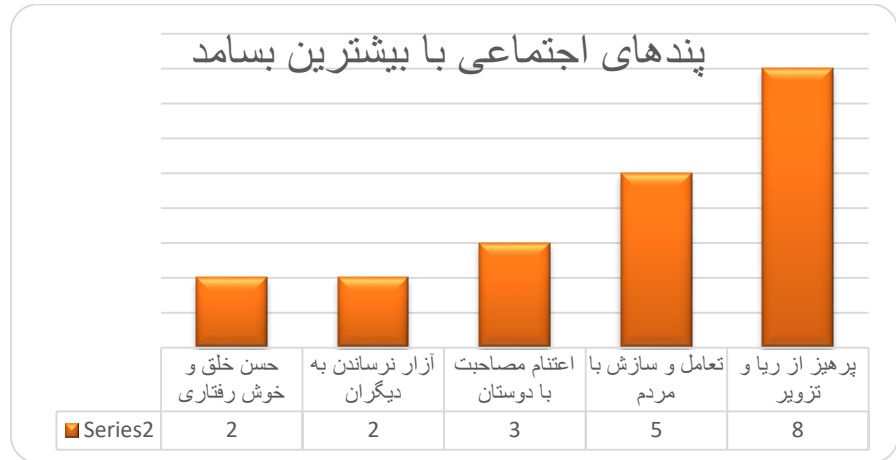
۲۵- همراهی مردان خدا

یار مردان خدا باش که در کشتی نوح هست خاکی که به آبی نخرد طوفان را
(همان: ص ۱۰۱)

او در مصراع اول بیت به افراد جامعه همراهی و یاری مردان حق و انسان های راستین را خواهان است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature



نمودار پندهای پر بسامد اجتماعی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نتیجه‌گیری

در مجموع، ۴۳ پند اجتماعی از دیوان حافظ استخراج شده، تحت عناوین مختلف آمده است که از این میان «پرهیز از ریا و تزویر» با بسامد ۸ پند بالاترین بسامد را داراست که نشان‌دهنده رواج ریا و تزویر در عصر حافظ است و در ضمن بیزاری و نفرت او از این مسئله را نشان می‌دهد. «تعامل و سازش با مردم» با بسامد ۵ پند، دومین بسامد بالا را در پندهای اجتماعی دارد که نشان‌دهنده روحیه صلح‌دوستی و سازش‌کاری حافظ است. «اغتنام مصاحبت با دوستان»، «آزار نرساندن به دیگران» و «حسن خلق و خوش‌رفتاری» از دیگر عناوین پندهای اجتماعی است که بیش‌ترین بسامد را دارند.

منابع:

۱. پورنامداریان، تقی؛ گم‌شده لب دریا (تأملی در معنی و صورت شعر حافظ) چاپ دوم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۴
۲. تفضلی، احمد؛ تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ سوم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۸
۳. حافظ شیرازی، شمس‌الدین؛ حافظ قزوینی - غنی، تصحیح قاسم غنی و علامه محمد قزوینی، به کوشش علی جریزه‌دار، چاپ دوم، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۸
۴. _____ دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ بیستم، انتشارات صفی‌علیشاه، تهران، ۱۳۷۶
۵. حسن دوست، محمد؛ فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۳
۶. داد، سیما؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی، واژه‌نامه اصطلاحات ادبی و فارسی و اروپایی، مروارید، تهران، ۱۳۸۵
۷. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲
۸. دوفوشه کور، شارل هانری؛ اخلاقیات مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری، مترجم عبدالمحمد روح‌بخشان و محمدعلی امیرمعزی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۷
۹. رستگار فسائی، منصور؛ انواع شعر، نوید شیراز، شیراز، ۱۳۸۰
۱۰. رزمجو، حسین؛ انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، چاپ سوم، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۴
۱۱. _____ نقد و نظری بر شعر گذشته فارسی از دیدگاه اخلاق اسلامی انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۱
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین؛ از کوچه رندان، چاپ دهم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۵
۱۳. سعدی، مصلح بن عبدالله؛ کلیات سعدی، با مقدمه و تصحیح محمدعلی فروغی، چاپ یازدهم، نشر طالع، تهران، ۱۳۷۶
۱۴. شمیسا، سیروس؛ انواع ادبی، چاپ دهم، چاپخانه رامین، تهران، ۱۳۸۳
۱۵. صفا، ذبیح‌اله؛ تاریخ ادبیات در ایران. جلد سوم - بخش اول (از اوایل قرن هفتم تا پایان قرن هشتم هجری)، تهران، انتشارات فردوس.
۱۶. _____ تاریخ ادبیات در ایران. جلد سوم - بخش دوم (از اوایل قرن هفتم تا پایان قرن هشتم هجری)، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۶۹
۱۷. _____ تاریخ ادبیات ایران. تلخیص از محمد ترابی. جلد دوم، چاپ دهم، انتشارات بدیبه، تهران، ۱۳۷۴
۱۸. فتوحی رود معجنی، محمود؛ بلاغت تصویر، انتشارات سخن، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۳
۱۹. محمدی، محمد؛ فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، چاپ سوم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۴
۲۰. مرتضوی، منوچهر؛ مکتب حافظ، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۵

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲۱. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱
۲۲. هروی، حسینعلی؛ شرح غزل‌های حافظ. چاپ هشتم، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۹۲
۲۳. یثربی، یحیی؛ آب طربناک (تحلیل موضوعی دیوان حافظ). چاپ اول، آفتاب توسعه، تهران، ۱۳۸۱
24. Schimmel, Annemarie (2006). "Hāfīz and His Contemporaries". In Peter Jackson. *The Cambridge History of Iran*. 6. Cambridge: Cambridge University Press. ISBN 0521200946.
25. Wickens, G. M. (1986). "Hāfīz". *Encyclopaedia of Islam* (2nd ed.). Leiden: E. J. Brill
- مقالات:
۲۴. پورنامداریان، تقی، «حافظ»، دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی، شماره ۲، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶
۲۵. رحمدل، غلامرضا، حکمت و اخلاق در غزلیات، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران-تابستان و پاییز، ۱۳۸۰، ۲۲۳-۲۴۴
۲۶. رستگار فسایی، منصور، فردوسی و هویت‌شناسی ایرانی، مجموعه مقالات درباره شاهنامه فردوسی، تهران، ۱۳۸۲، طرح نو.
- رضی، احمد، فرهنگی، سهیلا، لحن تعلیمی در دیوان حافظ، پژوهش‌نامهٔ ادبیات تعلیمی، سال ۱۳۹۲، شماره هجدهم، ص ۱۰۲-۷۹.
۲۷. غلامعلی‌زاده، جواد، روشنفکر، کبری، تأملی در شعر تعلیمی، پژوهش‌نامهٔ تاریخ ادبیات، شماره ۶۹، سال ۱۳۹۰
۲۸. فرهمند، روین‌تن، صباحی‌گراغانی، لیدا، بررسی چگونگی بازتاب اندرزگزاری و اندرزگزاران در دیوان حافظ. پژوهش‌نامهٔ ادبیات تعلیمی، سال دهم، شماره ۳۹، ۱۵۳-۱۷۳
۲۹. یلمه‌ها، احمدرضا. بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال سوم ۱۳۹۰، شماره یازدهم، ۱۷۵-۱۵۳
۳۰. _____ بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران، پژوهش‌نامهٔ ادبیات تعلیمی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، سال ۱۳۹۵، ص ۹۰-۶۱